

سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) و استخراج دلالت‌های آن در برنامه‌های درسی رسمی و عمومی

دکتر علی‌نقی فقیهی* حسن نجفی** سمیه دریسای***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی قلمروهای سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) و استخراج دلالت‌های آن در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است. روش پژوهش کیفی از نوع تحلیلی-استنباطی است. جامعه تحلیلی کلیه منابع دست اول از امام‌رضا(ع) است که به صورت حدیث در دسترس ما بوده است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد مطالعه عمیق قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور مستمر همزمان با جمع آوری اطلاعات از طریق دسته‌بندی، کدگذاری و نهایتاً تفسیر انجام شد. یافته‌های حاصل حاکی از این است که سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) دارای چهار قلمرو است که عبارتند از: قلمرو الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی. هر کدام از این قلمروها دارای عناصری است. عناصر قلمرو الهی عبارتند از: شناخت، ایمان، تقوا، اعتماد و توکل، تسلیم، رضا و بندگی. عناصر قلمرو فردی عبارتند از: شناخت خود، دانش طلبی، تربیت عقلانی، رشد ارزش‌های اخلاقی و کمال خواهی. عناصر قلمرو اجتماعی عبارتند از: دوستی، محبت، عدالت، همکاری و کرامت. عناصر قلمرو زیست محیطی عبارتند از: شناخت طبیعت، هدفمندی جهان هستی، استفاده مطلوب از طبیعت و مسئولیت‌پذیری. دلالت‌های سبک زندگی در برنامه‌های درسی رسمی و عمومی را می‌توان در قالب هدف غایی (قرب و رضوان الهی) و اهداف واسطه‌ای، محتوای تلفیقی (با محوریت آموزش خداشناسی، انسان‌شناسی اسلامی، جامعه‌پذیری دینی-اخلاقی و آماده‌سازی متریبان برای مواجهه منطقی با طبیعت)، روش‌های یاددهی-یادگیری (پرهیز از سطحی‌نگری، پرسشگری، گفتگو، الگوسازی، پژوهشگری، اکتشافی، ایفای نقش، مشاهده، گردش علمی، نمایش فیلم) و ارزشیابی (فرایندی و کیفی مانند مشاهده، مصاحبه، گزارش‌دهی، پژوهش، خودارزیابی و شرح حال نویسی) مطرح نمود.

واژگان کلیدی: امام‌رضا(ع)، سبک زندگی، قلمرو الهی، فردی، اجتماعی، زیست محیطی، برنامه‌های درسی

«سبک زندگی» از جمله واژگانی است که دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف و گاه متضادی پیرامون آن وجود دارد. سبک زندگی مبین بخشی از فرهنگ است که در جوامع امروزی نقش مهمی در زندگی مردم دارد؛ زیرا با مسائل کلیدی و حساسی همچون تمایز فردی و اجتماعی، فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب یا دست کم، ایجاد احساس آزادی عمل پیوند خورده است؛ بدین ترتیب سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند. بر این اساس سبک زندگی «روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی» است و به بیان دیگر، «مجموعه‌ای منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی است که مبتنی بر یک سری بینش‌ها و ارزش‌های برآمده از آن‌هاست» (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۰: ۵۱). علاوه بر این «سبک زندگی» به الگوهای رفتاری آحاد جامعه در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... که برآمده از بینش و گرایشی خاص است، اطلاق می‌شود (مشکانی‌سبزواری، صولتی و بیاتی، ۱۳۹۲: ۶۷). بنابراین سبک زندگی، مفهومی سهل و ممتنع است که حیطه گسترده‌ای را شامل می‌شود (شریفی، ۱۳۹۲: ۲۷).

سبک زندگی و قلمروهای آن، از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ما است. زیرا زندگی پیچیده انسان امروزی با رشد و پیشرفت فناوری و سهولت در دسترسی به انواع اطلاعات مفید و غیر مفید و فرو ریختن مرزهای اجتماعی، فرهنگی و حتی جغرافیایی با چالش‌های فراوانی همچون جهانی شدن و بومی ماندن، بحران جمعیت، بحران سلامتی و تغذیه، دگرگونی‌های فناوری، اثرات فناوری نوین ارتباطی بر مهارت‌های اجتماعی و اخلاقیات، مشکلات خانوادگی و ... روبه روست. غفلت از مسأله سبک زندگی می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. وقتی افراد نتوانند میان شیوه زندگی خود، باورها و ارزش‌هایشان ارتباط برقرار نمایند، بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش‌های خود بشویند و آنان را ناکارآمد تلقی کنند! و برای اینکه توجیهی برای سبک زندگی غیر اسلامی خود داشته باشند، باورها و ارزش‌های اسلامی را زیر سؤال ببرند (نجفی، ۱۳۹۳: ۲-۳). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم، ۱۰)؛ سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسیدند

که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند.

از عوامل مهمی که پرداختن به سبک زندگی و قلمروهای آن را ضرورت می‌بخشد، ظهور ناکارآمدی تمدن مادی و یأس بشر از این تمدن و سبک زندگی برآمده از آن و گرایش به معنویت است. پس از شکست و متلاشی شدن قطب شرق تمدن مادی، تمدن غرب مبتنی بر مبنای و اهداف خود، در قالب الگوهای رفتاری مدعی سعادت، رفاه و خوشبختی برای بشریت در همه شئون حیات شد، ولی دیری نپایید که این تمدن ظاهر فریب، نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ مشکلات و نابسامانی‌های زیادی در ابعاد مختلف روحی، ذهنی و رفتاری در جوامع غربی و شرقی شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹). به هر صورت، شرایط در سطح منطقه‌ای و جهانی در این مقطع از تاریخ به گونه‌ای است که از طرفی، بشریت از تمدن و سبک زندگی موجود مأیوس شده و از طرف دیگر، به همین دلیل، رویکردی دوباره به معنویت شروع شده است. حال در این شرایط، اگر بتوان الگویی جدید و سبکی نوین از حیات، مبتنی بر معنویت و هدایت الهی به بشریت تشنه امروز ارائه داد، زمینه گرایش عملی مردمان سرخورده از غرب و تشنه معنویت را به دین اسلام فراهم خواهیم نمود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرف‌اندیشی در آن، به روشنی ظرفیت بالای آن برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب را نشان می‌دهد؛ زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی، تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا، قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به‌شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند، و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز به عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است (فاضل‌قانع، ۱۳۹۳: ۹). همچنین روایات و حکایات فراوانی از اهل‌بیت (ع) در اختیار جامعه مسلمان قرار دارد، که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرایط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از الگوهای زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند.

دلیل انتخاب آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) برای این تحقیق آن بود که حضرتش به‌طور رسمی عهده‌دار ولایت عهدی بودند و شرایط این‌گونه بود که در مواجهه مستقیم با عموم مردم و بدون مانع ظاهری توانستند در جنبه‌های گوناگون اجتماعی و تربیتی به ارائه آموزه‌های اسلامی بپردازند. آموزه‌های حضرتش نه تنها برای عموم مردم که برای علمای بزرگ از ادیان و فرق دیگر اسلام آنچنان گسترده بود که به عنوان عالم آل محمد(ص) معروف شدند و از علما خواستند که آموزه‌های ناب آن حضرت را به مردمی که در بلاد مختلف و دور از مرکز بودند، آموزش دهند. ایشان خود فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا»؛ رحمت خدا بر بنده ای باد که امر ما را زنده دارد و آن گاه که عبدالسلام صالح هروی به آن حضرت عرض می‌کند: امر شما چگونه زنده می‌شود؟ امام‌رضا(ع) پاسخ می‌دهند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا»؛ علوم ما را فرا گیرد و آن را به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم زیبایی و شکوه سخن ما را دریابند حتماً به ما گرایش پیدا می‌کنند و پیرو ما می‌شوند(ابن‌بابویه‌قمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۵).

اگر خوب بنگریم متوجه خواهیم شد که آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) سبک زندگی ویژه‌ای را براساس نگرش‌ها، باورها و رفتارهای دینی پیشنهاد می‌کند که میزان پای‌بندی به آن‌ها، سطح دین‌داری افراد جامعه را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر هدایت‌گری این امام همام و پیمودن مسیر سعادت براساس فرموده‌های ایشان، در قالب یک برنامه عبادی است که شئون دنیوی و اخروی را در بر می‌گیرد و سبک خاصی از زندگی را ایجاد می‌کند و پیش روی اعضای جامعه قرار می‌دهد(محمدی، ۱۳۹۳: ۴۸). در واقع امام‌رضا(ع) به عنوان یکی از معصومان(ع) ضمن احساس وظیفه الهی انسانی برای هدایت بشر، سبکی از زندگی را تبیین کرده‌اند تا براساس آن مردم رستگار گردند و به کمال و قرب الهی در سطوح بالا نائل شوند. بر این اساس سؤالی که مطرح است این است که قلمرو سبک زندگی اسلامی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) چیست و دارای چه دلالت‌هایی در عناصر برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است؟

روش پژوهش

روش پژوهش، کیفی از نوع تحلیلی-استنباطی است. جامعه تحلیلی آن کلیه روایاتی است که از امام‌رضا(ع) در حوزه تعلیم و تربیت به دست ما رسیده است. از این جامعه آن دسته از مطالبی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سبک زندگی از دید امام‌رضا(ع) مربوط می‌شد به‌طور هدفمند به عنوان نمونه انتخاب و به‌طور عمیق مورد مطالعه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور مستمر همزمان با جمع‌آوری اطلاعات از طریق دسته‌بندی، کدگذاری و نهایتاً تفسیر انجام گرفت.

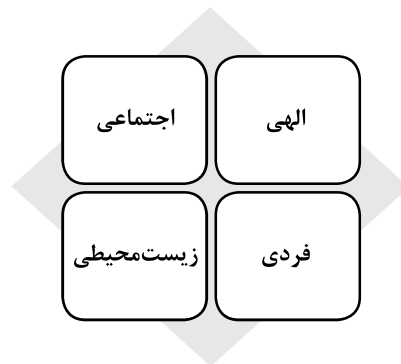
یافته‌ها

سبک زندگی، آن نوع از سبک زندگی است که در آموزه‌های امام‌رضا(ع) به آن پرداخته شده است و دامنه آن شامل قلمروهای الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی است. این نوع از سبک زندگی با یک رویکرد تحولی، نوع ارتباط‌های چهارگانه فوق را تشریح و جهت‌گیری‌های فرد را معین می‌سازد. سبک زندگی وقتی متناسب با ارزش‌های اسلامی است که فرد بتواند به تمام قلمروهای چهارگانه زندگی توجه داشته باشد. از این قلمروهای چهارگانه به عنوان معیاری استاندارد برای سبک زندگی استفاده شده است. دلیلی روایی از امام صادق(ع) وجود دارد که ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا» (گیلانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵). پایه‌های تعاملات آدمی بر چهار وجه تعاملات در ارتباط با خدا، ارتباط با خویش، ارتباط با دیگر آدمیان و مواهب زندگی دنیوی و ارتباط با طبیعت و جهان هستی استوار است. امام‌رضا(ع) همواره اهمیت هریک از این چهار قلمرو را در چارچوبی که دستورات اسلامی مشخص کرده‌اند مدنظر داشته و همواره سعی بر آن داشته‌اند که از آن‌ها غفلت نورزند.

قلمروهای سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع)

در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع)، توجه به قلمرو الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی، پایه اساسی و چارچوب سبک زندگی است. این نوع از سبک زندگی، می‌تواند در مسیر رشد تمامیت شخصیت فرد استعدادهای او را شکوفا نماید و وی را به کمالی

که مستحق آن است، برساند. شناخت نسبت به خود، داشتن یک نگرش واقع‌بینانه از ضعف‌ها و توانایی‌های خود، تکیه کردن بر توانایی‌ها و استعدادها و خود و توفیق بیشتر در تعامل بهینه با دیگران، خداوند و طبیعت می‌تواند تعیین کننده سبک زندگی فرد در **ارتباط با خود** باشد. همچنین وقتی فردی با خداوند ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط نه اتفاقی، فصلی، بلکه در متن زندگی است که به شکل مستمر، دائمی و برای هر لحظه تعریف شده است، این فرد از این رابطه وابسته و دل‌بسته به خداوند می‌شود و سعی می‌کند برای تعمیق ارتباط خود دستورات الهی را انجام و از منهیات الهی پرهیز کند. امری را درست بداند و انجام دهد که خداوند فرموده است و این به معنای انتخاب سبک خاصی از زندگی در **ارتباط با خدا** است. همین‌طور برقراری ارتباط‌های دیگری که فرد با دیگران و طبیعت بر مبنای دستورات الهی دارد، می‌تواند به عنوان سبک‌های زندگی در ارتباط با **جامعه و طبیعت** باشد. سبک زندگی‌ای که جامع این ارتباط‌ها باشد، منجر به فلاح و رستگاری همیشگی فرد و جامعه می‌شود. این قلمروها ریشه فطری دارند و اقتضای فطرت آدمی هم از مجموعه گرایش‌ها، امیال، ادراکات و توانمندی‌ها و تعاملات قلمروهای مذکور است و از آن جا که خدای حکیم این اقتضائات را در راستای اهداف تکاملی در انسان سرشته است، توجه بهینه به این قلمروها می‌تواند او را به اهداف والا هدایت نماید. سبک زندگی صحیح بدون شکوفایی این قلمروها در انسان امکان‌پذیر نیست. در حقیقت پرورش این قلمروهای چهارگانه است که آدمی را به سبک زندگی انسانی هدایت می‌کند و رشد و بالندگی سعادتمندانه را در زندگی موجب می‌گردد و هدف قرب و کمال مطلوب را برای خود فراهم می‌سازد.

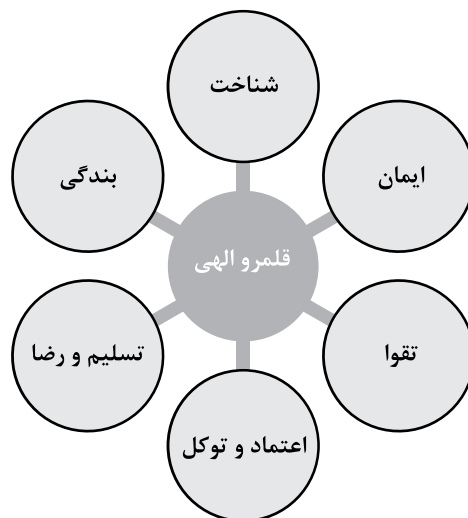


شکل ۱. قلمروهای سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام رضا (ع)

این قلمروهای چهارگانه با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و باید به صورت همه جانبه در مربّی رشد یابند و شاید بتوان گفت که روابط صحیح در یک قلمرو بدون توجه به قلمرو دیگر ممکن نیست (کاویانی، ۱۳۹۲: ۳۶ - ۳۷). آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) حاکی از آن است که این قلمروها در هم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و این بدین معنی است که در عملیاتی ساختن هر دسته از آن‌ها باید از دسته‌های دیگر نیز کمک گرفت و آن‌ها را نیز شکوفا ساخت و به رشد رساند تا سبک زندگی تحقق یابد. در ادامه به تشریح قلمروهای چهارگانه مذکور پرداخته شده است.

۱. قلمرو الهی

محوریت خدا در زندگی بشر مقتضای فطرت آدمی است و بیشترین و محوری‌ترین نقش را در سبک زندگی دارد. حیطه‌های این قلمرو «شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و پذیرش او به عنوان رب خویش و عملاً تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر» است (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۱). این بدین معنا است که معرفت، ایمان به خدا و صفات او، پذیرش نقش او در خلق و امر و اداره نظام هستی از جمله خود، انسان‌ها و پرستش خاضعانه و خاشعانه وی، فرد را به کمالش هدایت می‌کند. فلسفه نظام هستی مبتنی بر این است که همه جهان و آن چه از مواهب و نعمت‌های الهی در آن است برای انسان و کمال او، لباس هستی پوشیده‌اند. انسان از آن جهت که هدف آفرینش است، دارای عزت و ارزش والایی است که ملائکه به حال او غبطه می‌خورند. بنابراین آدمی در تنظیم قلمروهای فردی، اجتماعی و زیست محیطی، بر اساس روابط شناختی، عاطفی، ایمانی، عبادی و پذیرش احکام الهی، به اهداف عالیه غایی و واسطه‌ای پروردگار تعالی می‌یابد. در ادامه به تشریح شش مورد از عناصر مهم قلمرو الهی که در شکل شماره دو قابل مشاهده هستند، پرداخته شده است. منطق این شش عنصر احادیث رضوی است که بر همین عناصر تأکید شده است.



شکل ۲. عناصر قلمرو الهی سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام رضا (ع)

● شناخت خداوند

ساختار وجودی انسان به‌گونه‌ای است که به سوی خدا گرایش و تمایل نشان می‌دهد و احساس نیاز و فقر وجودی به او دارد. این گرایش حاکی از آن است که انسان شناختی اجمالی از خداوند، صفات و نقش خداوند در تدبیر هستی داشته و توانمندی شناخت تفصیلی نیز دارد. امام رضا (ع) در خطبه‌ای مفصل و جامع، بحث معرفت و توحید ذات باری تعالی را مطرح فرمودند که در قسمتی از آن آمده است: «أَوَّلُ عِبَادَةِ تَعَالَى مَعْرِفَتُهُ وَأَصْلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ وَنِظَامُ تَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ لَشَهَادَةِ الْعُقُولِ أَنَّ كُلَّ صِفَةٍ وَ مَوْصُوفٍ مَخْلُوقٌ وَ شَهَادَةُ كُلِّ مَخْلُوقٍ أَنَّ لَهُ خَالِقًا لَيْسَ بِصِفَةٍ وَ لَا مَوْصُوفٍ...» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰۲)؛ مرحله‌ی اول در عبادت خدا، شناخت اوست. پایه و اساس شناخت خداوند منحصر به فرد دانستن اوست. قوام و اساس توحید این است که صفت‌های (زائد بر ذات) را از ذات خداوند منتفی بدانیم زیرا عقل انسان خود گواهی می‌دهد که هر چیزی که از صفت و موصوفی ترکیب شده باشد مخلوق است. هر مخلوقی نیز خود شهادت می‌دهد که خالق دارد که نه صفت است و نه موصوف و هر صفت و موصوفی همیشه باید با هم همراه باشند. همراهی دو چیز با هم نشانه‌ی حادث بودن آن‌هاست و حادث بودن هم با ازلی بودن منافات دارد. از این‌رو، امام رضا (ع) لازم می‌داند فرد این توانمندی ادراکی را افزایش دهد و شناخت خود را

نسبت به خدا و صفات او از قبیل بی‌نیازی خداوند، شنوایی، دانایی، توانایی، عدالت، خالقیت و این که هیچ کسی و هیچ چیزی مانند او نیست و وجودی منحصر به فرد دارد و شریک و ضدی هم ندارد، ارتقاء دهد(حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۷-۴۲۸). آدمی باید معرفت حضوری و فطری خود را نسبت به خدا پیروراند و در معرفت حصولی به وی و صفات حسنی او بکوشد تا معرفت یقینی پیدا کند و بداند که همه امور به قدرت اوست، و همه خلق و امرش حکیمانه است. ربوبیت و تدبیر نظام عالم و امور بشر همه، به دست اوست. اوست که همه هستی را برای آدمی و کمال شایسته‌اش آفریده است و هدایت‌های او نسبت به بشر از علم نامتناهی او سرچشمه می‌گیرد و همه در راستای سعادت اوست. خداست که بشر را به خاطر خود او دوست دارد و وی را از رحمت‌ها و الطاف نامحدود خود بهره‌مند می‌سازد. براساس این آموزه امام‌رضا(ع)، کوشش برای شناخت هرچه بیش‌تر خدا، از بهترین اعمال تربیتی بوده و نقش مهمی در قرب به او دارد و بدون شناخت خداوند پرورش و تحول رشدی به سوی کمال و تقرب به خداوند امکان‌پذیر نیست. تحول تربیتی و تخلق به اخلاق الهی، کسب ایمان و تقوی، توکل به او و غیره همه در گرو شناخت هرچه کامل‌تر از اوست. هر چه شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر گردد، زمینه شکوفایی و تحول بیشتر فراهم می‌شود. این مطالب بیانگر آن هستند که شناخت خداوند محوریت داشته و بدون آن امکان زیست مؤمنانه وجود ندارد.

● ایمان

در سبک زندگی اسلامی آدمی با شناخت خداوند و مجموعه صفات ذاتی و فعلی او، گرایش و علاقه‌اش به خدا پرورش می‌یابد و او را به عنوان پروردگار، هستی‌بخش، مدبّر، حکیم، رحیم و دیگر صفات منحصر به فرد می‌پذیرد. ایمان در این زندگی توحیدی به معنای تصدیق بوده و مفهومی است که حکایت از اعتقاد و باوری درونی و قلبی دارد و توأم با التزام می‌باشد(میناگر، ۱۳۹۰: ۶۸). از این رو امام‌رضا(ع) به نقل از آباء گرامی‌اش ایمان را چنین تعبیر می‌نمایند: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةُ الْقَلْبِ وَ إِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۴۸)؛ ایمان معرفت و باور قلبی و اقرار به زبان و عمل به اعضا و جوارح است. از مظاهر این باور و التزام که همان تصدیق و پذیرش قلبی پروردگار با صفات حسنی اوست، این است که این پذیرش را به زبان آورد و التزام بر عمل به هدایت‌های خدا داشته باشد. زیرا لازمه پذیرش خدا به عنوان عالم،

حکیم و رحیم و این که درست در راستای کمال مطلوب آدمی را راهنمایی می‌کند و قانون وضع می‌نماید، این است که فرد تصدیق دارد که قوانین الهی، امر و نهی خداوند همه برای رشد و تحول تربیتی آدمی است و باید در عملیاتی کردن آن‌ها کوشش نماید.

● تقوا

اگر انسان در ایمان و باور ارتقاء یابد، خدا محور می‌شود. هدایت‌ها و اوامر و نواهی الهی را در سبک زندگی اصل قرار داده و منطبق با آن‌ها عمل می‌کند. چنین فردی کوشش می‌نماید خود و عملکرد خویش را در حفاظت و صیانت از دستورات پروردگار قرار دهد و به هیچ وجه عصیان نکند. تقوا و خدامحور بودن در رفتار، التزام و پایبندی مترّبی به شایسته‌ترین الگوهای رفتاری است که زمینه سعادت را در زندگی آدمی فراهم می‌سازد و نه تنها برای زندگی در این جهان بهترین پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی را به همراه دارد، بلکه حیات طیبّه جاوید را تضمین می‌نماید. امام‌رضا(ع) در حدیث «والتقوى افضل من الايمان بدرجه» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۵)؛ تقوا را مرحله‌ای بالاتر از ایمان دانسته است. این بدین معنی است که مترّبی در مسیر ارتقای ایمانی باید به جایی برسد که جز بر محور هدایت‌های الهی نچرخد تا زندگی سعادت‌مندانه‌ای در دنیا و آخرت برای خویش پدید آورد. به عبارت دیگر، این بزرگ‌ترین امتیاز مردان الهی است که محور اصلی سبک زندگی آن‌ها، خدای تعالی و عشق به شعائر الهی است که از اصول اعتقادی، اجتماعی و عبادی اسلام نشأت گرفته‌اند» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۲۰۵). براساس سفارش خداوند متعال در قرآن کریم «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲)، هرکس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل‌هاست. امام‌رضا(ع) در بیان تقوا فرمود: «الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ وَ لَوْ لَمْ يُخَوِّفِ اللَّهُ النَّاسَ بِجَنَّةٍ وَ نَارٍ لَكَانَ الْوَاجِبُ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ لَا يُعْصُوهُ لَتَفْضِلَهُ عَلَيْهِمْ وَ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَ مَا بَدَأَهُمْ بِهِ مِنْ إِنْعَامِهِ الَّذِي مَا اسْتَحَقُّوهُ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۰)، اگر خداوند، مردم را به آتش دوزخ و یا رسیدن به بهشت انداز نمی‌کرد، بازهم واجب بود که از خداوند، اطاعت کنند و او را نافرمانی ننمایند؛ چرا که خدا به مردم احسان کرده و نعمت‌هایی به آن‌ها داده است که استحقاق آن را ندارند.

از اسرار بقای امامان(ع) در طول تاریخ جهان با همه تحولات و دگرگونی‌ها، همین

است که آن‌ها در سبک زندگی خویش رنگ خدایی به خود گرفته «وجه الله» و «وجیهاً عندالله» شده بودند و هرکس چنین شد، فنا و نابودی ندارد که «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص، ۸۸) و «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۲۶-۲۷). این محور در زندگی حضرت رضا(ع) آن چنان هویدا بود که رجاء بن ابی ضحاک که به دستور مأمون به مدینه رفت و امام را به مرو آورد، می‌گوید: به خدا سوگند! ندیدم مردی را که نسبت به خدای تعالی از وی بیشتر پرهیز و خوف داشته و بیشتر از او به یاد خدا در همه اوقات زندگی باشد (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۲۳). همین تقوای شدید از خدا و توجه عمیق آن حضرت به خدا است که در همه حال و همه جا آن بزرگوار را مستقیم و استوار نگاه می‌دارد و تعریف، تنفیذ کاخ و کوخ‌ها و مدح‌ها و ذم‌ها در روح استوار و خدایی او تأثیری نمی‌گذارد (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۰۱).

● اعتماد و توکل

توکل به خدا به معنای اعتماد کردن به خدا در کارها است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۵۶۷)، در شرع، تأکید بر این است که: «اعتماد بر خداوند متعال در جمیع امور باشد» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). یعنی متربی که خدا را قادر مطلق می‌خواند به قدرت نامتناهی او تکیه کند و برای انجام کارها این پشتوانه همیشگی را احساس نماید. به گونه ای که با احساس قدرت در انجام کارها و حل مشکلات به پیش رود و هیچ احساس ناتوانی و ترسی در مسیر اقدامات مدبرانه خود، به خویش راه ندهد. در فرهنگ و آموزه‌های تربیتی اسلام توکل مفهومی زندگی بخش و حماسی دارد؛ قرآن به عنوان اساسنامه تربیت دینی هر جا که بخواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس را از انسان بزدايد می‌فرماید: به خدا توکل کن «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹). و چون بر (کاری) دل بنهادی بر خدای توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. امام رضا(ع) در پاسخ به شخصی که حد توکل را پرسید، فرمودند: «أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ با وجود خدا از هیچ کس نترسی و در اقدامات احساس ناتوانی نکنی (حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ح ۲۹۲). این امام همام در جایی دیگر می‌فرماید: «التَّوَكُّلُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَّقَ بِهِ فِي أَمْرِكَ كُلِّهِ فِيمَا فَعَلَ بِكَ، فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ رَاضِيًا وَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ يَأْكُلُ خَيْرًا وَ نَظَرًا. وَ تَعَلَّمَ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ بِتَفْوِضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَ مَنْ ذَلِكَ الْإِيمَانُ بِغُيُوبِ اللَّهِ

الَّتِي لَمْ يُحِطْ عَلَيْكَ بِهَا فَوَكَّلْتُ عِلْمَهَا إِلَيْهِ وَإِلَى أُمْنَائِهِ عَلَيْهَا وَتَوَقَّتْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا»، توکل دارای درجات و مراتبی است و یک رتبه از آن، این است که: در تمام کارهایت به خدا اعتماد کنی، در آنچه که نسبت به تو انجام داده و به هر چه با تو کرده خشنود باشی و بدانی که از خیرخواهی در حق تو کوتاهی نکرده است و بدانی که صلاح و حکم در این زمینه از آن اوست و با سپردن امور بر او توکل می‌نمایی. رتبه دیگر توکل، ایمان به امور غیبی است که علم تو بدان راه ندارد و علم آن را به وی و به امینان وی می‌سپاری و در آن‌ها و جز آن‌ها به او توکل می‌نمایی (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۳).

• تسلیم و رضا

رضایت و خشنودی بنده از خدا، قضا و حکم الهی و رسیدن به مقام رضا از ثمرات وجود معرفت، ایمان، تقوا و توکل به خداوند است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۰۲). در سبک زندگی، آدمی با ارتقاء در این موارد آنچنان به پروردگار خویش نزدیک می‌شود که نه تنها از همه آنچه خدا به وی داده است احساس رضایت دارد، بلکه حوادثی را که به حکم و اقتضای تقدیر الهی اتفاق می‌افتد، می‌پذیرد و سر تسلیم فرود می‌آورد. این مقام حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که به اعلاء مرتبه یقین رسیده باشد و مراتب و درجات کمال را در روابط با خدا پیموده باشد (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۹). امام رضا (ع) رضا و تسلیم را دو رکن مؤثر ایمان دانسته‌اند که برای نیل به کمال حقیقی ضروری است (محمدری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۱۸). به عبارت دیگر، وقتی بنده، خود را در قلمرو «ربوبیت خدا» می‌بیند و همه تقدیرات و تدبیرات خداوند را هم بر مبنای حکمت و مصلحت می‌شناسد، نتیجه آن می‌شود که بر آنچه خدا درباره او خواسته و مقدر کرده است، صبور، راضی و تسلیم شود. رسیدن به این کمال نفسانی، به انسان آرامش روانی می‌بخشد و از تلاطم روحی و تشویش و نگرانی می‌رهاند، همچون کشتی که در ساحل امنی لنگر می‌اندازد و آرام می‌گیرد. این حالت روحی که بسی ارجمند، عزیز و آرامش‌بخش است، حتی در تکالیف دینی و الهی هم اثر خود را می‌بخشد. در حدیث قدسی آمده است: «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلَيْلَتَمَسُ إِلَهًا غَيْرِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۱۳۸)، «هرکس به قضای من راضی نیست و به تقدیر من ایمان ندارد، پس در پی خدایی دیگر غیر از من باشد». آنچه انسان را به این مرحله

از «رضا» می‌رساند، معرفت خداست. هر که خداشناس‌تر باشد، نسبت به خواست او تسلیم‌تر است. امام رضا(ع) در حدیثی به این نکته اشاره می‌فرماید: «أَنَّ الْعِبَادَةَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا فَتَسَعُّهُ وَ سِتُونِ مِنْهَا فِي الرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأُولَى الْأَمْرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ»، همانا عبادت، هفتاد وجه است که شصت و نه وجه از آن در رضا و تسلیم در برابر خدا و رسول و اولی الامر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۱۲)، بنابراین، انسان موحد و خداشناس و خدا باور، چون به حکمت الهی معتقد است و از پشت پرده هم خبر ندارد، تسلیم قضا، تقدیر و مشیت پروردگار می‌شود. از این رو، مراتب معرفت، عبودیت و محبت خود را به نسبت به خالق خود پرورش داده و در همه مسائل مربوط به رزق، تندرستی، فقر و غنا اولویت را بر رضایت و مصلحت او قرار می‌دهد. زندگی امام رضا(ع) گواه روشن رضایتمندی در این زمینه است. آن حضرت(ع) همان‌طوری که خود اهل رضایت به رضای الهی بود، دیگران را نیز بدان دعوت می‌کرد و می‌فرمود که: «عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْقَدَرِ كَيْفَ يَحْزَنُ» تعجب می‌کنم از کسی که به تقدیر الهی یقین دارد چگونه محزون می‌شود؟! (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۵۹). در روایت است که: «سُئِلَ عَنِ الرِّضَا (ع) عَنْ خِيَارِ الْعِبَادَةِ؟ فَقَالَ (ع): الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا عَفَوْا» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۵)؛ از امام رضا(ع) درباره بهترین بندگان سؤال شد. فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند خوشحال شوند و هرگاه بدی کنند آمرزش خواهند و هرگاه عطا شوند شکر گزارند و هرگاه بلا بینند صبر می‌کنند و هرگاه خشم کنند درمی‌گذرند.

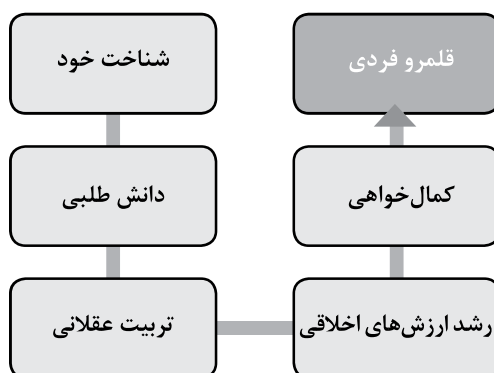
● بندگی

«بندگی» به معنای غایت تذلل و نهایت فروتنی و طاعت است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۳۰). ظاهر عبادت و بندگی، عبارت است از انجام پاره‌ای از اعمال توسط اندام بدن مانند رکوع، سجده و طواف؛ اما حقیقت بندگی، عبودیت است که انسان خود را در برابر رب خویش، در مقام مملوکیت و مربوبیت قرار دهد (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۱). هدف نهایی از خلقت انسان و تربیت دینی رساندن آدمی به مرحله بندگی است. امام رضا(ع) برقراری رابطه بندگی با خداوند را تجسم عملی و عینی خداشناسی و خداجویی و رابطه بنده با خدا می‌دانست و خود آن را در همه لحظات زندگی

محقق می‌ساخت، به ویژه شب‌ها عملاً به عبادت می‌پرداخت. رجاء بن ابی ضحاک درباره نماز شب آن حضرت می‌گوید: «چون ثلث آخر شب می‌شد، برمی‌خاست و تسبیح، تحمید، تهلیل و استغفار می‌کرد؛ مسواک می‌زد و سپس به نماز شب می‌ایستاد»، او مقام عبودیت را وام‌دار خویشاوندیش با رسول‌الله (ص) نمی‌دانست، بلکه نتیجه اطاعت از خدا می‌دانست. حضرت رضا (ع) درباره علت و نیز آثار بندگی و عبودیت می‌فرماید: «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ تَعْبُدُهُمْ؟ قِيلَ لِأَنَّ يَكُونُوا نَاسِينَ لِذِكْرِهِ، وَ لَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ، وَ لَا لَاهِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، إِذْ كَانَ فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَ قِوَامُهُمْ، فَلَوْ تَرَكُوا بَعِيرَ تَعَبُدٍ، لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ، فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»، اگر کسی بگوید: چرا خداوند به بندگانش دستور عبادت داده، آیا نیاز به عبادت آنها دارد؟ در پاسخ گفته می‌شود: این به خاطر آن است که یاد خدا را به فراموشی نسپارند و ادب را در پیشگاه او ترک نکنند و از امر و نهی او غافل نشوند چرا که در آن صلاح و قوام آنهاست و اگر مردم بدون پرستش و عبادت رها شوند مدت زیادی به آنها می‌گذرد (و از یاد خدا غافل می‌شوند) و در نتیجه دل‌های آنها قساوت پیدا می‌کند (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۲).

۲. قلمرو فردی

یک دسته دیگر از قلمروهایی که در سبک زندگی مؤثر است، قلمرو فردی است. عناصر این دسته که بر آمده از احادیث امام رضا (ع) هستند و مصداق روایی از این امام همام دارند در شکل ذیل نمایان هستند:



شکل ۳. عناصر قلمرو فردی سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام رضا (ع)

● شناخت خود

شناخت خود به مفهوم درک درست انسان از خویش، ویژگی‌ها، نیازها و توانمندی‌های اوست. به عبارت دیگر، شناخت فطرت و درک داشته‌ها و آن چه باید بشود و این که چه توانمندی‌هایی دارد که می‌تواند از آن‌ها در تحول به سوی آنچه باید بشود، استفاده کند(اکبری، ۱۳۹۱: ۱۵۵). به دیگر سخن، خودشناسی این است که انسان بشناسد که چگونه موجودی است، از کجا آمده، در دنیا چه موقعیتی دارد و به کدام سو در حرکت خواهد بود. از سوی دیگر، با پی بردن به اعماق نفس، آن را به عنوان آیتی از آیات الهی و مظهر بسیاری از صفات الهی بشناسد؛ یعنی از طریق شناخت حصولی، به نوع دیگری از خداشناسی حصولی دست پیدا کند. آیات «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»(ذاریات، ۲۰-۲۱)، ناظر به همین شناخت خویش است که خداشناسی نیز در آن است. امام‌رضا(ع) در بیان گهربار خویش «افضل العقل معرفة الانسان نفسه»(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۵۲)؛ از خودشناسی به عنوان بهترین تعقل یاد کرده است. آدمی با شناخت خود، به خداشناسی می‌رسد. یعنی قدر خود را می‌داند و می‌فهمد که چگونه باید زندگی کند.

● دانش طلبی

از جمله اموری که در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) در قلمرو فردی سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته، فراگیری علم است. برای درک و فهم عمیق از جهان هستی، دانش، چراغ راه و نشانه است: «إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ: الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ»(نوری‌طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۱۶). امام‌رضا(ع) در حدیثی چنین می‌فرماید: «العلم خزائن و مفتاحه السؤال»(فرید، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۲)؛ علم گنجینه کمال است که با جستجوگری و پرسش می‌توان به آن‌ها دست یافت. اصولاً علم‌جویی و فراگیری دانش از امور موظف انسانی است که ریشه در فطرت آدمی به عنوان حقیقت‌جویی و علم‌خواهی دارد. اسلام هم بر این امر تأکید ورزیده و آن را برای مؤمن واجب و فریضه دانسته است و یادآور شده است که مؤمنی که به این واجب می‌پردازد پیش خدا محبوب است(کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۰). امام‌رضا(ع) یکی از ویژگی‌های ده‌گانه عاقل را عبارت می‌داند از این که در طول عمرش، هیچگاه از فراگیری علم خسته نمی‌شود «وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ

دَهْرَه» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۳). زیرا علوم و معارف مختلف نسبت به یکدیگر، جنبه زاینده‌گی دارند. به این معنی که هر کشف و اطلاع جدیدی موج و تلاطمی در دریای معارف انسانی ایجاد می‌کند و سبب بالندگی معارف دیگر می‌شود. البته شایان ذکر است که علوم امامان معصوم (ع) که در طول علم نامحدود خداوند متعال است، خود از مهم‌ترین عوامل کشف مجهولات انسان و جهان هستی است. امام رضا (ع) در سفارشی می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَى أَمْرَنَا، قِيلَ: كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ وَ قَالَ (ع): يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰)، کسی را که علوم امامان (ع) را فراگیرد و به دیگران نیز بیاموزد، شامل رحمت الهی می‌داند.

● تربیت عقلانی

براساس حدیث «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ» (تمیمی آمدی، شرح خوانساری، ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۲)؛ آدمی دارای توانمندی عقلانی است که در فرآیند تربیت و با فراگیری علم و کسب تجربه شکوفا می‌شود و افزایش پیدا می‌کند. امام رضا (ع) عقل و توانمندی درک آدمی را عطیه‌ی خدایی دانسته که باید رشدش داد و نباید با ظاهرسازی خود را عاقل دانست که این اقدام ضد عقل است (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۴). ایشان در بیانی دیگر «العقل يعرف به الصادق على الله فيصدقه و الكاذب على الله فيكذبه» (همان: ۲۵)، عقل را آن توانمندی فهمی می‌داند که با آن صدق صادق از کذب کاذب باز شناخته می‌شود و پیامبری پیامبر را اثبات می‌کند و کذب مدعی دروغین پیامبری را می‌فهمد.

از دیدگاه امام رضا (ع): «لا يعبأ باهل الدين ممن لا عقل له» (همان: ۲۷) کسی که توانمندی عقلانی خود را رشد نداده گرچه خود را متدین می‌بیند، از چشم افتاده است و «صديق كل امرء عقله و عدوه جهله» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۱) کسی که عقل خود را پرورانده است، با جهل و نادانی که دشمن اوست، همراه است و کسی که عقل خود را پرورانده باشد، عقل، دوست و همراه اوست. و «لا يتيم عقل امرء مسلم حتى تكون فيه عشر خصال: ألخير منه مأمول. و الشر منه مأمون. يستكثر قليل الخير من غيره، و يستقل كثير الخير من نفسه. لا يسأم من طلب الحوائج إليه، و لا يمل من طلب العلم طول دهره. ألفق في الله أحب إليه من الغنى. و الذل في الله أحب إليه من العز في عدوه. و الحمول

أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ. ثُمَّ قَالَ (عليه السلام) الْعَاشِرَةُ وَمَا الْعَاشِرَةُ؟ قِيلَ لَهُ: مَا هِيَ؟ قَالَ (عليه السلام): لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتَقَى (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۳)؛ کسی که در ورزیدگی عقلانی‌اش تلاش کرده باشد و توانمندی فهمی او افزایش یافته باشد از او خیر و خوبی امید است و از بدی و شر پرهیز دارد، خیر اندک دیگری را بسیار، و بسیار خود را اندک می‌شمارد. هرچه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود در عمر خود از دانش‌طلبی خسته نشود و فقر در راه خدایش از توانگری که از مسیر خدا جدا شده باشد محبوب‌تر است، خواری در راه خدایش از عزت با دشمنش محبوب‌تر است، گمنامی را از پر نامی خواهان‌تر است، احدی را ننگرد جز این که می‌گوید او از من بهتر و پرهیزکارتر است.

● رشد ارزش‌های اخلاقی

یکی دیگر از گرایش‌های ویژه و فطری انسانی در بستر سبک زندگی، «رشد ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی» است. مقصود از فضیلت، همان ارزش اخلاقی تثبیت شده در وجود انسان است. اصل گرایش به فضایل اخلاقی، امری مسلم است. رشد ارزش‌های اخلاقی، به معنی هدایت انسان در شناخت مفهوم و مصداق فضیلت‌ها، رذیلت‌ها و تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع فراروی این گرایش است و به همین دلیل است که یکی از غایات و اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۱۰). امام‌رضا(ع) در حدیث «يُظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مُؤْمِنٌ كَمَلَتْ مُرُوَّتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجَبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حَرُمَتْ غِيْبَتُهُ» فرمودند: مؤمن را کسی می‌داند که متصف به ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت، صداقت و وفای به عهد است (ابن بابویه‌قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰). همچنین امام(ع) خیر و سعادت امت اسلامی را در سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی حول محبت به یکدیگر، امانت‌داری، اجتناب از محرمانی چون غیبت، تهمت و غیره دانسته، و آنچه در قیامت و میزان، پربهاترین و مفیدترین صفات برای مؤمنان و رفتن به بهشت است، توجه به مجموعه فضایل انسانی است که در رهنمود ایشان «مَا مِنْ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۶۴-۶۵) از آن به عنوان حسن خلق تعبیر شده است.

● کمال خواهی

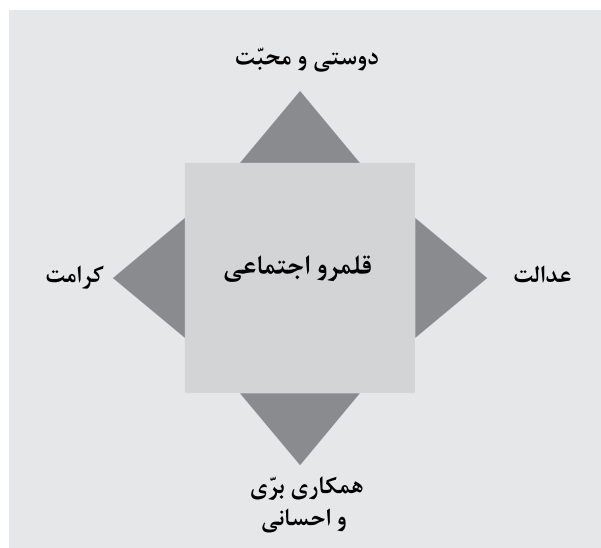
هر انسانی مایل است به طریقی رشد کند و از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نائل شود. سیر از مرحله پایین به مرحله‌ای بالاتر، ریشه در گرایش درونی انسان دارد. تکاپوی انسان برای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی پاسخی به تمایل درونی برای ایجاد تحول در زندگی است، زیرا انگیزه رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر است که سبب حرکت می‌شود. به عبارت دیگر سیر تربیتی در دین مبین اسلام بر محور تقوی، عامل گرایش و تمایل به کمال و کمال‌جویی قرار گرفته است و انسان در صورتی می‌تواند به قرب الهی نائل شود که در صدد بسط و گسترش کمالات وجودی خویشتن برآید. امام‌رضا(ع) درباره نیل به کمال واقعی و دوری جستن از سرگرمی‌های دنیوی و کمالات غیرواقعی می‌فرمایند: «عَجِبْتُ لِمَنِ اخْتَبَرَ الدُّنْيَا وَ تَقَلَّبُهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا»، در شگفتم که چگونه کسی که دنیا را آزموده و تغییرات آن را به چشم خود دیده باز دل به دنیا می‌بندد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۴۵۰).

۳. قلمرو اجتماعی

از جنبه‌های فطری آدمی که به‌صورت گرایش و توانمندی در هر فردی وجود دارد، گرایش و توانمندی اجتماعی است و از این رو «مدنی بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و تحقق این گرایش در همه مراحل زندگی و در سبک معاشرت آدمیان با یکدیگر، می‌تواند در ظهور توانمندی‌های بالقوه اش به‌صورت مطلوب و بالنده مؤثر باشد و حتی در درک بهتر خود و کشف ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود و دست‌یابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود، نقش بسیار مهم ایفا کند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۱). معیار مطلوبیت این نقش، هماهنگ بودن این جنبه با جنبه الهی است که در لسان شرع و سیره معصومان(ع) و از جمله امام‌رضا(ع) به‌عنوان رضای پروردگار مطرح است.

دامنه اجتماعی انسان در سبک زندگی از نظر کمی و کیفی خیلی وسیع و متنوع است و شامل ارتباط با پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) (حراعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴: ۵۰۳)، والدین(اعراف، ۱۷۳؛ زخرف، ۲۳؛ هود، ۱۰۹؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳) همسر(میرزایی‌رافع؛ سلحشوری و مرادی‌مخلص، ۱۳۹۱: ۱۲۵)، فرزندان(انفال،

۲۸؛ تغابن، ۱۵؛ اعرافی، بهشتی، فقیهی و ابوجعفری، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۸۴؛ قطبی، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۶)، مسلمان با مسلمان (حجرات، ۱۰؛ اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱: ۳۱۶) و مسلمان با غیرمسلمان (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۰)، می‌شود. دوستی و محبت، عدالت، همکاری برّی و احسانی و کرامت چهار عنصر اساسی است که در آموزه‌های تربیتی امام رضا(ع) بر آن تأکید شده است. عناصر مذکور در شکل ۴ قابل ملاحظه است.



شکل ۴. عناصر قلمرو اجتماعی سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام رضا (ع)

● دوستی و محبت

میل به دوستی و محبت‌ورزی از گرایش‌ات فطری انسانی بوده که فرد در هر دوره‌ای از زندگی و تحول و رشد به آن نیازمند است. دوستی ارتباط الفتی و محبتی با دیگران در مصادیق گسترده آن است (فلاح‌رفیع، ۱۳۹۱: ۴۲). از این روست که باید در کلیه وجوه سبک زندگی اجتماعی محبت اساس رابطه باشد تا اهداف تربیتی تحقق یابند. از این رو است که امام رضا(ع) می‌فرماید: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ»، مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸: ۳۳۵). پیامبر اسلام(ص) هم در این رابطه می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا

أَوَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمْوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» (طبرسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۷)، به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی‌شوید مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی‌شوید، مگر این که یکدیگر را دوست بدارید. آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید. البته باید توجه داشت که میزان ارزشمندی محبت‌های آدمیان به یکدیگر در دامنه وسیع آن، محبت و رضایت خداست. آنچه خدایی است و ارتباط بیش‌تری با خدا و ارزش‌های الهی و انسانی دارد، با محبت شدیدتر، مستحکم‌تر و با دوام‌تر زمینه رشد تربیتی را فراهم می‌سازد (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۹۲)، بنابراین گر چه محبت انسان‌ها انواعی دارد مانند: الف) محبت ناشی از اشتراک در فضیلت ب) محبت ناشی از اشتراک در منفعت ج) محبت ناشی از اشتراک در لذت. اما در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) محبت ناشی از رضایت خدا از همه مهم‌تر و با ارزش‌تر است. لذا ایشان رابطه محبتی میان افراد و مظاهر محبت مانند: دست دادن، اصرار به برآوردن نیازهای یکدیگر، رفع غم و اندوه از هم و فراهم‌سازی زمینه خوشحالی همدیگر را لازم دانسته و به آن توصیه نموده است. از مصادیق محبت مبتنی بر رضایت خدا ادخال سرور و خوشحال کردن مؤمن است. ایشان می‌فرمایند: «تَزَاوَرُوا تَحَابُّوا وَ تَصَافَحُوا... احْرِصُوا عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَيْهِمْ وَ دَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْإِيمَانِ أَفْضَلُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۴۷)؛ بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست.

● عدالت

یکی دیگر از اجزای قلمرو اجتماعی سبک زندگی، عدالت است. تأکید بر عدالت به این خاطر است که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود و حقشان تضییع نگردد. به‌طور مثال، همه انسان‌ها از حق حیات و سلامتی برخوردارند و حق ندارند به یکدیگر آسیب بزنند و یا در صدد قتل همدیگر برآیند. انسان‌ها دارای انواعی از حقوق طبیعی، الهی، دینی و اجتماعی هستند. رعایت حقوق هر انسانی مادام که آن حقوق را خود از بین نبرده است، لازم و فعل تربیتی با ارزش است که انسان را متکامل می‌سازد. در مقابل،

تعَدُّی و تجاوز به حقوق دیگران از موانع تربیت مطلوب و سیر تکامل آدمی محسوب می‌شود. «عدالت»، فضیلتی فطری، دینی و اجتماعی است که آموزه‌های تربیتی ائمه(ع) و از جمله امام‌رضا(ع) بر آن تأکید دارند. ایشان در باب نکوهش تحقیر فقیر و حفظ عدالت، حتی در سلام کردن به فقیر و غنی، می‌فرمایند: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۲)؛ کسی که فقیر مسلمان را ملاقات نماید و برخلاف سلام کردنش بر اغنیا بر او سلام کند، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات نماید که بر او خشمگین باشد. ایشان در حدیثی دیگر می‌فرماید: «اسْتَعْمَالُ الْعَدْلِ بِدَوَامِ النِّعْمَةِ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۴)؛ به‌کارگیری عدل موجب دوام و باقی ماندن نعمت می‌شود.

● همکاری بری و احسانی

میل کمک به دیگری و احسان از جمله امیال فطری است که آدمی را از حیوانات جدا می‌سازد. اجرایی کردن احسان به دیگران توسط مؤمنان، باعث می‌شود زمینه تحقق عدالت اجتماعی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اهداف سبک زندگی اسلامی در میان جامعه بشری، فراهم گردد. روابط اجتماعی براساس احسان، پیوندی انسانی میان همه افراد مؤمن و حتی دیگر افراد بشر برقرار می‌سازد. امام‌رضا(ع) درباره پیامد مطلوب اقدام به رفع اندوه از مؤمن می‌فرمایند: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۳: ۲۶۸)؛ هرکس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف می‌سازد. بر این اساس مؤمنان، در راستای خود تربیتی و دیگر تربیتی، نسبت به یکدیگر قرابت و همدردی احساس می‌کنند و به کمک یکدیگر می‌شتابند و برای رفع نیاز همدیگر اقدام می‌نمایند، با بخشش به هم، مشکلات مالی یکدیگر را حل می‌کنند و همدیگر را از نعمت‌هایی که اعطایی خداوند است، چه نعمت مادی و چه نعمت‌های معنوی مانند علم، برخوردار می‌سازند (محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۴). امام‌رضا(ع) در حدیثی دیگر جهت یاری‌رسانی در امور دنیوی به برادران مؤمن، می‌فرمایند: «وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِهِ وَ الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَائِهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى

جَنَانِ رَبِّهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۲۵۵)؛ بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد (ع)، هیچ عملی شکرآمیز، نزد خداوند متعال محبوب‌تر از یاری‌رسانی در امور دنیوی به برادران مؤمنان نیست. دنیایی که از آن به سوی بهشت خدا عبور می‌کنند. در بررسی سیره عملی آن امام همام (ع) نیز ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می‌خورد. ایشان بسیار صدقه پنهانی می‌دادند و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می‌نمودند. روایت شده که ایشان یک سال تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کردند (شریف‌قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۷).

• کرامت

آدمی به‌صورت طبیعی، از کرامت و شرافت ذاتی و برتری وجودی نسبت به حیوانات برخوردار است: «و لقد کرّمنا بنی آدم...» (اسراء، ۷۰) و از این رو، برای ارتقای عزّت، ارزشمندی و شرافت خود کوشش می‌کند و از پستی و فرومایگی بیزار است. براساس این، انسان موجودی شریف است که در نیکوترین شکل آفریده شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴). وی باید از جایگاه خود در هستی آگاه شده و بداند که او برترین آفریدگان است و همه هستی برای او و به‌خاطر او آفریده شده و خداوند او را جانشین خود در روی زمین قرار داده و او را به برترین جایگاه در عالم هستی فراخوانده است. برای نمونه، فرهنگ صالح‌نگری و خیراندیشی یکی از محورهای اساسی در بُعد تکریم بوده و در قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) به‌طور جدّی به آن توجه شده است. قرآن کریم در بیش از هفتاد مورد، ایمان و عمل صالح را کنار هم قرار داده و بدین‌سان، ارج نهادن به خود و دیگران را در قالب فرهنگ خدمت‌رسانی، صالح‌نگری و خیراندیشی ترویج کرده است. عمل صالح که در سطوح مختلفی قابل انجام است، موجب می‌شود انسان‌ها به‌گونه‌ای محسوس تقرّب، معنویت و بندگی را در حد خود احساس کنند. حفظ حرمت و اکرام برادر دینی، کمک به او در انجام وظایف و رفع مشکلاتش (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶: ۲۲۲)، ایجاد جو مناسب و مطلوب (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲)، ارشاد او و بسیاری موارد دیگر در حفظ و رشد اخوت و برادری مؤثرند (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰).

کرامت و عزّت‌خواهی سبب افزایش توانمندی‌های ارزشی انسان می‌گردد و زمینه برقراری ارتباط مطلوب با دیگران را فراهم می‌سازد (کاوندی و صفورایی‌پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۶۶).

درباره ارزشمندی افراد انسانی به پاسخ امام‌رضا(ع) به سؤال زکریا بن آدم در مورد سپرده شدن کودکی از اهل ذمه به دلیل فقر و گرسنگی به عنوان برده به وی اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «لا یتباع حر، فانه لا یصلح لک و لا من اهل الذمه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۲۶۸)، انسان آزاده خریده و فروخته نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست، از ذمیان نیز روا نیست». همچنین ایشان در حدیثی دیگر درباره عواقب عدم حفظ عزت و کرامت افراد انسانی و درشت‌خویی به آنان می‌فرماید: درشت‌خویی و بداخلاقی عمل آدمی را تباه می‌سازد؛ آن‌گونه که سرکه عسل را تباه می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹۴: ۶۸). در مورد توجه به کرامت می‌توان به گزارش یاسر خادم امام‌رضا(ع) توجه نمود. آن‌جا که از روش همیشگی و منش پیوسته مولای خود، حضرت ثامن الحجج(ع)، سخن می‌گوید: «امام(ع) همواره پس از فراغت از کارهای خود، آنگاه که تنها می‌شدند، تمام خدمتگزاران و کارگران اطراف خود از بزرگ و کوچک را گرداگرد وجودش جمع می‌نمودند، با ایشان سخن می‌گفتند و انس می‌گرفتند. هر زمان در کنار سفره می‌نشست، بزرگ و کوچک را فرامی‌خواندند و در کنار خود می‌نشانند و آن‌ها را مورد تکریم قرار می‌دادند» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۹).

۴. قلمرو زیست محیطی

آدمی در طول زندگی با دنیای اطراف خود در ارتباط است. زمین و آسمان، کوه و دشت، جنگل و بیابان، دریا و خشکی، حیوانات و تمام جلوه‌ها و مظاهر ریز و درشت طبیعت نمودی از قدرت و عظمت خالق و آفریننده هستی‌اند و بر دیدگاه انسان نسبت به زندگی اثری ژرف دارند. علامه جعفری(ره) (۱۳۷۶: ۳۵۰-۳۵۴) رابطه انسان با جهان هستی را در سه اصل بیان کرده است: شناخت این جهان تا عالی‌ترین حد ممکن، جدی گرفتن قوانین تکوینی جهان و احساس ملکوتی نسبت به این جهان. رابطه زیست محیطی، صرفاً، رابطه‌ای حسّی و تجربی نیست، بلکه رابطه‌ای عقلانی و مهمترین و با ارزش‌ترین رابطه است. کسانی که با تکیه بر حسّ و تجربه می‌خواهند حقیقت انسان و جهان را بفهمند، ثمره‌ای جز انکار و نادیده گرفتن خود، جهان و آفریننده آن‌ها نخواهند داشت. رابطه انسان با جهان دربردارنده وابستگی خالص ارادی انسان به خدا و تمام حقایق هستی است و ایجاد چنین رابطه‌ای وابسته به کیفیت ایمان، اعتقاد و نحوه روابطی است که با مراتب وجودی خود با اجتماع، طبیعت و از همه مهم‌تر با خداوند دارد. اگر این روابط

روی موازین عقل و دین باشد، رابطه صحیح بوده و ثمره خواهد داشت، در غیر این صورت، نتیجه منفی و بدبختی را به همراه خواهد داشت (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۵۷). قلمرو زیست محیطی ابعاد گوناگونی دارد. بر اساس شواهد حدیثی از امام رضا (ع)، عناصر چهارگانه قلمرو زیست محیطی عبارتند از: شناخت طبیعت، هدفمندی جهان هستی، استفاده مطلوب از طبیعت و مسئولیت‌پذیری نسبت به موجودات هستی است که در شکل ۵ آمده است.



شکل ۵. عناصر قلمرو زیست محیطی سبک زندگی

● شناخت طبیعت

امام رضا (ع) در حدیث «لَیْسَتِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّیَّامِ وَ الصَّلَوةِ وَ اِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فی أمرالله» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۶۶)؛ شناخت هرچه بیشتر طبیعت و خلق و امر هستی را عبادت دانسته، زیرا سبب توانمندی جامعه می‌شود. بدین لحاظ می‌توان شناخت طبیعت را از دو جهت مورد بررسی قرار داد: ۱- این که شناخت عوامل طبیعی، نظم و قانون حاکم بر آن راهی به سوی شناخت پروردگار جهان است. ۲- شناخت طبیعت به‌طور جزئی و کشف قوانین حاکم بر آن سبب توانمندی انسان و بالطبع باعث گسترش قدرت و حضور او در اجتماع می‌شود (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

● هدفمندی جهان هستی

این که آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست، هدفمند است، در جای جای قرآن به چشم می‌خورد و غایت‌مندی و حکیمانه بودن آفرینش آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد. در آیاتی، تذکر داده می‌شود که زیستن انسان، جزء اهداف آفرینش هستی است و او ضمن

استفاده از برکات کیهانی در جهت بهسازی زندگی این جهانی، از طریق تماشای نشانه‌های نهفته در متن هستی، به شناخت خداوند نایل می‌آید. در این رابطه مطالعه دو آیه زیر به عنوان نمونه کافی می‌نماید که می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (آل عمران، ۱۹۰-۱۹۱)؛ «بی‌شک در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد». امام‌رضا(ع) در مناظره‌اش با عمران صابی به هدفمندی جهان هستی و مخلوقات و این‌که این هدفمندی در ارتباط با انسان است، می‌پردازد و با اشاره به آیه ۶۰ سوره مبارکه نحل «لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ کسانی را که به آخرت ایمان ندارند متصف به زشتی و حماقت عقلی کرده به این معنی که امکان ندارد خدا این جهان را بدون هدف آفریده باشد و با اشاره به آیه ۲۷ سوره روم «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ به آغاز و انجام جهان توسط خداوند پرداخته و سپس خداوند را نوری دانسته‌اند که خلقت را از آغاز تا پایان جهان مدیریت و هدایت می‌کند بدون آن که نیازمند آن باشد.

● استفاده مطلوب از طبیعت

با توجه به این که طبیعت، امکانات و نعمت‌های فراوانی را در جهت رشد فردی و اجتماعی انسان در اختیار وی قرار داده، برخورداری از این امکانات، سبب طرح بهره‌برداری مطلوب انسان از طبیعت و جهان آفرینش می‌گردد. تصمیم‌های نادرست و اقدام‌های بی‌اندازه بشری می‌تواند اختلال‌ها و لطمه‌های بزرگی را بر تعادل و سلامت محیط طبیعی وارد آورده و موجب اضمحلال طبیعت شده نسل‌های آینده را از نعمت‌های عظیم الهی محروم سازد. امام‌رضا(ع) در حدیثی درباره استفاده مطلوب از مال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقَبِيلَ وَالْقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۵۵)؛ به درستی که خداوند، داد و فریاد (ایجاد آلودگی صوتی در محیط زیست) و تلف کردن مال و پُرخواهشی و تمایلات افراطی را دشمن می‌دارد. همچنین یاسر خادم بیان نموده است که روزی غلامان میوه می‌خوردند،

آن‌ها میوه را به تمامی نخورده باقی آن را به دور انداختند؛ ابوالحسن (ع) به آنان فرمودند: «سبحان الله اگر شما از آن بی‌نیازید، هستند کسانی که بدان نیازمندند، به آنان بخورانید» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶: ۲۹۷). دیدگاه اسلام درباره کیفیت ارتباط انسان با طبیعت برگرفته از اساس اعتقادی و تربیتی آن است که مبین بهره‌مندی از عوامل حیاتی برای نیروگیری در طریق تقوا، توجه به خدا و طی مدارج الهی و نیل به تکامل و قرب ربوبی است. بنابراین موضعی که یک فرد مسلمان در برابر جهان و آنچه در آن است اتخاذ می‌کند نشان‌دهنده میزان اهتمام او در دستیابی به هدف غایی از این مسیر است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

● مسئولیت‌پذیری نسبت به موجودات هستی

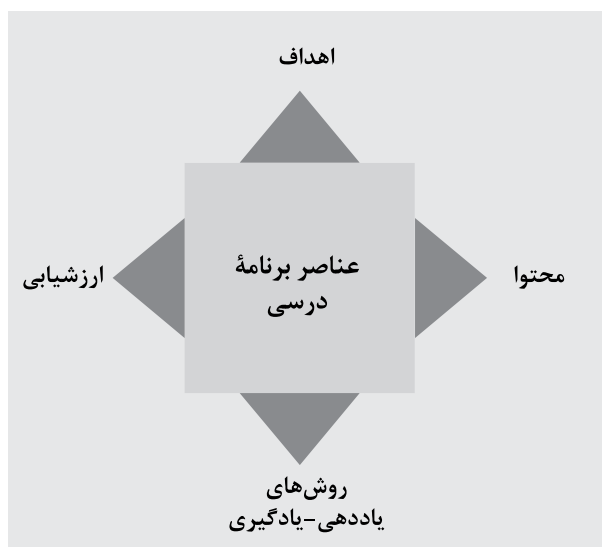
یکی از مؤلفه‌های اساسی زیست محیطی مسئولیت‌پذیری است. از جمله مسئولیت‌های آدمی در این زمینه می‌توان به حفظ موجودات هستی، عمران و آبادانی و بهره‌برداری مطلوب و بهینه از مخلوقات خدا اشاره نمود. در اسلام حفظ زمین و پیشگیری از تخریب محیط زیست واجب شمرده شده است. پیامبر اکرم (ص) در اهمیت حفظ زمین می‌فرماید: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۹۷)؛ از زمین حفاظت کنید، به درستی که آن مادر شماست. امیرالمؤمنین (ع) نیز در حدیثی در باب مسئول بودن انسان نسبت به محیط زیست می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۴، خطبه ۱۶۶)؛ تقوای الهی را در مورد بندگان و محیط زیست رعایت کنید زیرا که شما نسبت به مکان‌ها و حیوانات هم مسئول هستید.

آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست، از جمله مسئولیت‌های انسان است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره نموده‌اند: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ» (هود، ۶۱)؛ خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. البته شایان ذکر است که عمال حکومت اسلامی هم باید بیشترین همت خود را بر این امر اختصاص دهند. در این عمران و آبادانی علاوه بر این که باید کار از استحکام و اتقان برخوردار باشد، ضروری است که بیش از نیاز خانواده نیز باشد تا جامعه از آن بهره‌مند گردد که در این صورت به تعبیر امام‌رضا (ع) «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَغْظَمَ أَجْراً مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۰۸)؛ فرد همچون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند. این امام همام عمران و آبادانی

طبیعت و ساخت و سازهای محکم و پایدار را برای بهره‌برداری بهینه از آن در زندگی دنیا وظیفه مومنان به خدا دانسته‌اند، ولی براساس حدیث ایشان «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۴۹)؛ توصیه بر این است که وابسته به آن نشوند و از آن برای آخرت خویش استفاده نمایند.

دلالت‌های تربیتی سبک زندگی در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

کاربرد مسائل مختلف در برنامه درسی مستلزم بهره‌گیری از یک چارچوب نظری یا نظریه زیربنایی و مبتنی بر اصول و موازین علمی و نیازهای واقعی است تا بتواند به‌عنوان راهنمای عمل در بررسی و اجرای مراحل پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا راهکارهای اشاعه سبک زندگی امام‌رضا(ع) در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ایران می‌تواند در چهار عنصر اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی (شکل ۶). به عبارت دیگر، موارد چهارگانه مذکور، عناصری هستند که نمایانگر وجوه مختلف برنامه‌های درسی‌اند و هرکدام می‌توانند به نحوی، در بسط سبک زندگی مورد نظر امام‌رضا(ع)، سهیم باشند.



شکل ۶. عناصر برنامه درسی

یکی از کاربردهای یافته‌های این پژوهش در حوزه اهداف برنامه درسی است. با توجه به فرمایشات امام‌رضا(ع)، مقاصد برنامه درسی منبعث از سبک زندگی اسلامی را که زمینه‌ساز سعادت و خوشبختی انسان هستند می‌توان در قالب دو دسته غایی (قرب و رضوان الهی) و واسطه‌ای (الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی) استخراج و پیشنهاد نمود. لازم به ذکر است که هدف غایی برنامه درسی در مکتب امام‌رضا(ع)، کمال مطلوب آدمی است که مطلوبیت آن، نیز، ذاتی می‌باشد؛ یعنی آن را برای رسیدن به هدف دیگری نمی‌خواهیم بلکه خودش موضوعیت دارد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲). بنابراین هدف غایی اتخاذ شده از سبک زندگی رضوی برای برنامه‌های درسی همان قرب الی الله است که به مفهوم اتصاف و تخلق انسان به اوصاف و اخلاق الهی است. در این ارتباط باید افزود که در سبک زندگی، قرب نتیجه یک تحوّل درونی و بیرونی است. تحوّل درونی چنین است که آن ربط و وابستگی ذاتی موجودات به خداوند که در متن خلقت هست، وارد خودآگاهی و شهود قلبی انسان بشود و انسان به درجه‌ای برسد که آن ربط و نیاز تکوینی را بیابد و نسبت به علم حضوری درک پیدا کند، که هرچه این علم حضوری کاملتر و عمیق‌تر باشد، قرب افزون‌تری حاصل می‌شود. لذا وصول به مقام قرب ربوبی و رضوان الهی، هدفی هماهنگ با استعدادها و فطرت انسان است. در چنین سبکی از زندگی قرب مفهومی مشکک است و هر قدمی که در مسیر آن برداشته شود، مفهوم آن بیشتر تحقق یافته است تا جایی که انسان نمونه صفات خدا می‌شود: «عبدی اطعنی اجعلک مثلی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۵: ۱۱۶). همچنین از آن‌جا که برنامه درسی مبتنی بر قلمروهای سبک زندگی واقع‌گراست، به منظور واقعیت بخشیدن به اهداف آرمانی و نیل افراد جامعه اسلامی به آن، اهداف واسطه‌ای با الهام از هدف غایی و همچنین مبانی فلسفی و دینی تعیین می‌شوند.

براساس بررسی‌های مستند موجود در بخش اول مقاله دلالت‌های تربیتی برای اهداف واسطه‌ای در شأن الهی شناخت، ایمان، تقوا، اعتماد و توکل، تسلیم و رضا و بندگی هستند که باید مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گیرند. در شأن فردی اهدافی مانند شناخت خود، دانش طلبی، تربیت عقلانی، رشد ارزش‌های اخلاقی و کمال خواهی یافت شدند. دوستی، محبت، عدالت، همکاری و کرامت هم اهدافی هستند که در شأن اجتماعی بر آن‌ها تأکید شده بود. شأن زیست‌محیطی هم دلالت‌هایی برای اهداف

واسطه‌ای دارند که مربی را به سوی شناخت طبیعت، درک هدفمندی جهان هستی، استفاده مطلوب از طبیعت و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن رهنمون می‌سازند. هریک از هدف‌های واسطه‌ای مذکور، به مثابه منزلی هستند که گذشتن از آن شرط لازم وصول به مقصد نهایی است. البته برای رسیدن به هریک از این منازل باید برنامه‌ریزی کرد و به تعیین اولویت‌ها، تجهیز امکانات، تهیه وسایل و تدارک زاد و توشه راه پرداخت.

از هدف‌های مذکور می‌توان در حوزه یادگیری «حکمت و معارف اسلامی» که بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است، استفاده نمود تا به متریان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را داد تا بتوانند براساس آن سبک زندگی خود را بر محور بندگی خدا سامان دهند. علاوه بر این یادگیرنده را توانمند سازد که به گونه ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد. دیگر حوزه یادگیری که می‌تواند از اهداف وصف شده استفاده کند «مطالعات اجتماعی» است. این حوزه به مطالعه کنش‌ها و تعاملات انسانی و توانایی ایجاد رابطه مثبت و سازنده با خلق حول محور رابطه با خدا، درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد مختلف (زمان، مکان، عوامل طبیعی و اجتماعی) و سنت‌های الهی حاکم بر فرد و جامعه می‌پردازد و در پی تقویت و پرورش کنش‌های مطلوب، متناسب با نظام معیار اسلامی است. یافته‌های حاصله با حوزه یادگیری مرتبط با بحث «آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده» نیز مرتبط می‌باشد. در این حوزه اعتقاد بر آن است که برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. از حوزه یادگیری «علوم تجربی» هم می‌توان جهت استفاده از اهداف زیست‌محیطی سبک زندگی استفاده نمود. چرا که این حوزه تعاملی انکارناپذیر با فلسفه، باورها و ارزش‌های پذیرفته شده فرد و جامعه دارد. لذا باتوجه به جهت‌گیری‌های این برنامه، علم تجربی حاصل کوشش انسان برای درک واقعیت‌های هستی و کشف فعل خداوند خواهد بود.

دیگر کاربرد یافته‌های این پژوهش در حوزه محتوای برنامه درسی است که نخستین گام برای تحقق هدف‌های آموزشی است. سازماندهی محتوای فعالیت‌های یادگیری سبک زندگی در حوزه‌های حکمت و معارف اسلامی، مطالعات اجتماعی، علوم تجربی و آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده به تناسب نیاز و شرایط دوره‌های تحصیلی و با توجه به زمینه‌های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی باید به صورت تلفیقی باشد. البته باید توجه نمود که محتوای برنامه درسی وسیله رشد یادگیرنده است و هندسه آن با هندسه فطرت باید متوازن باشد. در وجود فرد جنبه‌های الهی، معنوی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و جسمانی قرار داده شده است. محتوا باید با این ابعاد هم وزن باشد. اگر محتوا یکی از ابعاد وجود را تقویت کند ولی به سایر ابعاد فطری بی‌توجه باشد، انسان یک بعدی پرورش می‌دهد. سازماندهی محتوا برای آموزش علوم فوق نشانگر آن است که همه مخلوقات و پدیده‌های عالم آیات الهی محسوب می‌شوند. تفکر در هر کدام از آن‌ها روح بندگی را در آدمی تقویت می‌کند و حقانیت مبدأ هستی را آشکارتر می‌سازد. به همین دلیل ملکی (۱۳۸۵) در دیدگاه برنامه‌درسی فطری - معنوی خود توصیه موکد می‌کند که دانش‌آموزان در آیات الهی بیندیشند و از طریق آن پی به وجود آفریدگار هستی ببرند. با این تذکر هر یک از محتواهای دروس دوره عمومی جلوه‌ای از هستی را بررسی می‌کنند. علوم طبیعی پدیده‌های مادی را بررسی می‌کنند و علوم انسانی، انسان و جلوه‌های مختلف رفتارهای انسان را مطالعه می‌کنند. همه این دروس در یک چیز زمینه مشترک دارند و آن «آیه بودن» است. اگر همه آن‌ها به عنوان جلوه‌ای از آیات الهی مورد آموزش قرار گیرند، در مجموع از طریق محتواهای گوناگون ضمن یادگیری مفاهیم، اصول و مهارت‌های ویژه یک نگرش عمومی «خدا محور» نیز در دانش‌آموزان پرورش پیدا می‌کند.

دیگر کاربردهای یافته‌های این پژوهش در حوزه روش‌های یاددهی - یادگیری است. اگر تدریس را بر مبنای الگوی سبک زندگی طراحی کنیم این گونه می‌شود که تدریس به عنوان ابزاری کاربردی به صورت مستقیم و غیرمستقیم باید توجه دانش‌آموز را نسبت به خدا جلب کند، نگرش او را نسبت به خودش وسیع گرداند و مقدمات حضور او را در جامعه فراهم آورد و شرایطی را مهیا سازد تا حامی محیط‌زیست باشد و آن را به عنوان امانتی الهی دانسته و سالم به نسل آینده تحویل دهد. نحوه ورود قلمروهای

سبک زندگی به تدریس باید به گونه‌ای باشد که یادگیرندگان از راه‌های مختلف با عناصر مربوطه آشنا شده و رفتار و گفتار خود را با آن تطبیق دهند. برای این کار لازم است که معلمان ابتدا مفاهیم سبک زندگی و قلمروهای آن را روشنند آموزش دهند. در قلمرو الهی روش‌هایی مانند پرهیز از سطحی‌نگری، پرسشگری، گفتگو، الگوسازی، در قلمرو فردی روش‌هایی مانند مراقبه، پژوهشگری و اکتشافی، در قلمرو اجتماعی روش‌هایی مانند داستان‌گویی، ایفای نقش، معرفی شخصیت‌های دینی و فرهنگی، تدریس توسط خود دانش‌آموزان و مشاهده، در قلمرو زیست محیطی روش‌هایی مانند واگذاری مسئولیت‌های برون مدرسه‌ای مرتبط با محیط زیست، گردش علمی، نمایش فیلم و تصاویر و مرور اخبار زیست محیطی در رسانه‌های محلی می‌توانند مورد استفاده معلمان قرار گیرند چرا که این روش‌ها فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی متربیان و توسعه شایستگی‌ها فراهم می‌کند.

دیگر کاربردهای یافته‌های این پژوهش در حوزه ارزشیابی برنامه درسی است. در برنامه درسی، ارزشیابی سیمایی از وضعیت فعلی ترسیم می‌کند و فاصله آن را با وضعیت مطلوب نشان می‌دهد. اگر سبک زندگی را منبعی برای تعیین نوع ارزشیابی قرار دهیم، بهترین کار ترجیح ارزشیابی کیفی و مستمر (تکوینی) است. در اصل شیوه‌های مختلفی از ارزشیابی کیفی نظیر مشاهده، مصاحبه، گزارش‌دهی، پژوهش، خودارزیابی و شرح حال نویسی می‌توانند در برنامه‌درسی پیش‌بینی شوند. در تعلیم و تربیت اسلامی تربیت نوعی رشد و شدن است، یعنی خروج از حالت بالقوه و به حالت بالفعل در آمدن که حکایت از تغییرات باطنی و تحولات عمیق درونی دارد. به همین خاطر کاملاً منطقی است اگر بگوییم که در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف ایجاد تغییرات کیفی است و نه تغییرات کمی. در این راستا خوش‌خلق (۱۳۸۳) هم یادآور شده است که با توسل به شیوه‌های کیفی، با اطمینان و صحت بیشتری می‌توان تمام ابعاد دانش‌آموزان و همچنین تغییر و تحولات عمیق و باطنی آن‌ها را مورد بررسی و قضاوت قرار داد. موحدی‌محصل‌طوسی، مهرمحمدی، صادق‌زاده‌قمصری و نقی‌زاده (۱۳۹۲) یادآور شدند ارزشیابی کیفی و فرایندی که همه مؤلفه‌های دین‌داری را مدنظر قرار دهد، برای ارزیابی برنامه‌های تربیت دینی و مخاطبان آن، رویکردی مطلوب و مناسب است. این

نوع از ارزشیابی نظر بر آن دارد که در سنجش محصولات تربیت دینی نمی‌توان تنها بر جنبه‌های شناختی تأکید نمود، بلکه باید به جنبه‌های عاطفی و عملی نیز توجه کرد. همچنین آن‌ها معتقدند که این مهم جز با روی آوردن به ارزشیابی فرایندی و کیفی از یادگیری امکان‌پذیر نیست. همچنین نجفی، طالعی‌فرد و ملکی (۱۳۹۶) در تأیید این نوع از دلالت‌ها بر برنامه‌درسی، استفاده از ارزشیابی فرایندی و کیفی را از جمله راهبردهای اساسی در اسلامی‌سازی عنصر ارزشیابی قلمداد نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) و استخراج دلالت‌های تربیتی آن می‌باشد. یافته‌های حاصل در این مطالعه حاکی از این است که امام‌رضا(ع) نگرشی توحیدی به انسان داشته و وی را سرمایه بی‌بدیلی می‌شمارد که دارای شأن و منزلت قدسی است؛ از این‌ نظر غایت تمام فعالیت‌ها، تحقق رشد و بالندگی مادی، تکامل و تعالی معنوی انسان برای وصول به قرب حق است. در نزد آن حضرت سبک زندگی بر اساس نگرش واقع‌بینانه از ضعف‌ها و توانایی‌های خویشتن، تکیه کردن بر توانایی‌ها، استعدادهای خود و توفیق بیشتر در تعامل بهینه با خداوند، دیگر مردم و طبیعت ترسیم گردیده است. براساس نتایج، سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) دارای چهار قلمرو الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی است، هماهنگی قلمروهای چهارگانه در سبک زندگی، زمینه‌ساز فلاح و رستگاری همیشگی فرد و جامعه خواهد بود. بررسی هندسه معرفتی سبک زندگی در قلمروهای چهارگانه حاکی از این است که:

قلمرو الهی بدان سو است که انسان در مسیر زندگی به خداوند متعال معرفت پیدا کرده و با معرفت به او، به وجود او و صفات علیا و اسمای حسنائش باور پیدا نماید و فقط او را اطاعت و عبادت کند. در بعد قلمرو فردی، مسیر زندگی به‌گونه‌ای است که انسان بداند روح حقیقی است غیرمادی که مانند هر موجود مجردی دارای سه بُعد علم و آگاهی، محبت و قدرت عملی است که به صورت ناخودآگاه در هر انسانی وجود دارد. براساس بعد علمی که جنبه‌ای شناختی دارد، انسان باید توانمندی‌ها و استعدادهای فطری خود را بشناسد و براساس آن‌ها اقدام به تنظیم عقلایی سبک زندگی خود کند. در

کنار بعد علمی، گرایش‌های فطری وجود دارند که آدمی را به سوی کمال مطلق هدایت کرده و از نقص و کاستی برحذر می‌دارند. سومین بعد نیز عمل است که می‌طلبد انسان در آن با توجه به آگاهی‌ها، به سلاح ایمان و تقوا مجهز شده و با فراهم آوردن عوامل سعادت و برطرف نمودن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد، تا خود را به عالی‌ترین مراحل آن رسانده و از خود طبیعی به سوی خود انسانی و سپس به مرحله خود اعلا که مظهری از ذات حق است، تغییر جهت دهد و خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی گردد. قلمرو اجتماعی بیانگر آن است که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان در زندگی اجتماعی با توجه به کرامت و مسئولیت خویش باید آن‌ها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد. مهم‌ترین مسئولیت‌های فرد در قلمرو زیست محیطی، این است که باید چگونگی رابطه جهان هستی را با خداوند دریابد و نیز بفهمد که خود او چگونه با جهان هستی و طبیعت برخورد کند تا برخورداری متقابل حاصل شود.

دیگر یافته‌های این مطالعه آن است که قلمروهای فوق می‌تواند دلالت‌هایی بر چهار عنصر شاخص برنامه درسی به همراه داشته باشد، به گونه‌ای که در عنصر اهداف می‌توان دو نوع غایی (قرب و رضوان الهی) و واسطه‌ای (الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی) را در حوزه‌های یادگیری حکمت و معارف اسلامی، مطالعات اجتماعی، علوم تجربی و آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده در اختیار قرار دهد که در راستای عملیاتی‌سازی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در عنصر محتوا از سازماندهی و انتخاب تلفیقی، در عنصر یاددهی- یادگیری، مجموعه‌ای از روش‌های متنوع چون پرهیز از سطحی‌نگری، پرسشگری، گفتگو، الگوسازی، مراقبه، پژوهشگری، اکتشافی، داستان‌گویی، ایفای نقش، معرفی شخصیت‌های دینی و فرهنگی، تدریس توسط خود دانش‌آموزان، مشاهده، واگذاری مسئولیت‌های برون مدرسه‌ای مرتبط با محیط زیست، گردش علمی، نمایش فیلم و تصاویر و مرور اخبار زیست محیطی در رسانه‌های محلی و هم چنین در عنصر ارزشیابی روش‌هایی فرایندی و کیفی مانند مشاهده، مصاحبه، گزارش‌دهی، پژوهش، خودارزیابی و شرح حال نویسی به همراه داشته باشد. این روش‌های ارزشیابی با نتایج پژوهش‌های نجفی و همکاران (۱۳۹۶)، موحدی‌محصل‌طوسی و همکاران (۱۳۹۲) و خوش‌خلق (۱۳۸۳)

همخوانی دارد.

براساس یافته‌های حاصل از آنجا که هدف مهم تربیت اسلامی در اسناد تحولی «دستیابی به مراتبی از حیات طیبه» است، آماده‌سازی دانش‌آموزان و نهادهای سازش سبک زندگی اسلامی در آن‌ها، تضمینی بر زمینه‌سازی لازم برای تحقق این هدف ارزشمند خواهد بود. از این رو پیشنهاد می‌شود برنامه‌درسی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی برای نظام تربیت رسمی و عمومی طراحی گردد؛ در دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان و دانشجو معلمان، عناصر این نوع از برنامه‌درسی و دلالت‌های تربیتی آن تبیین گردد؛ مفاهیم و آثار سبک زندگی در قالب تصویر، داستان، شعر و فیلم‌های آموزشی به مقتضای سطح رشدی دانش‌آموزان توسط صاحب‌نظران و نویسندگان ارائه گردد. علاوه بر این به دلیل تأکید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تأثیر جدی سایر ارکان تربیت در دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی مناسب با بهره‌گیری از متخصصان توانمند جهت بهبود سطح معرفتی و آشنایی با چگونگی به‌کارگیری قلمروهای چهارگانه و زیرمجموعه‌های آن، برای خانواده‌ها برگزار گردد.

از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به عدم وجود پیشینه مرتبط با موضوع اشاره کرد. از این رو آنچه که ارائه شده است پژوهشی بکر و مقدماتی برای استخراج این قلمروهای چهارگانه از آموزه‌های تربیتی امام‌رضا(ع) و نحوه کاربرد آن‌ها در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است. تشریح جامع هریک از مباحث نیازمند پژوهش‌های جدیدی است که پژوهشگران حوزه سبک زندگی اسلامی باید در مطالعات آتی خود به آن‌ها بپردازند تا در نهایت به تدوین نظریه‌ای اسلامی در مورد سبک زندگی منجر شود.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم: سپهر نوین.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۷)، گرد آورنده: شریف الرضی، محمدبن حسین، ترجمه محمد دشتی، قم: جمال.
- نهج الفصاحه، (۱۳۶۴)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، (۱۳۷۹)، *علل الشرایع*، قم: شریف الرضا.
- ، (۱۳۸۰)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- اسماعیلی یزدی، عباس، (۱۳۸۵)، *فرهنگ تربیت*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- اعراف، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی و ابوجعفری، مهدی، (۱۳۸۶)، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران: سمت.
- اکبری، مدینه، (۱۳۹۱)، *اخلاق امام رضا(ع) از نگاه روایات*، مجموعه مقالات جشنواره بین المللی امام رضا(ع) (معارف و اعتقادات در فرهنگ رضوی)، ۱۴۹-۱۷۶.
- باقری، خسرو، (۱۳۹۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، جلد اول، تهران: مدرسه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۷۳)، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح: محمد تقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر *نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّ العاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۶ق)، *وسائل الشیعه*، تهران: مکتب الاسلامیه.
- حرّانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: کتاب فروشی اسلامی.
- خوش خلق، ایرج، (۱۳۸۳)، *بازنگری در روش های سنجش و نقش آن در اصلاحات آموزشی*، مجموعه مقالات همایش ارزشیابی تحصیلی، تهران: ترکیه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۶۳)، *المفردات*، تهران: کتاب.
- سجادی، جعفر، (۱۳۶۲)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- شریف قرشی، باقر، (۱۳۸۲)، *پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا(ع)*، ترجمه جاسم رشید و محمد صالحی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۲)، *اهمیت سبک زندگی در سیره و سخن اهل بیت(ع)*، ویژه نامه سبک زندگی اهل بیت(ع)، قم: مجمع جهانی اهل بیت(ع)، ۱، ۲۶-۳۲.
- شریفی، احمدحسین و همکاران، (۱۳۹۱)، *همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.
- طبرسی، ابی الفضل علی، (۱۴۱۱ق)، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، *صحیفه الامام الرضا(ع)*، (منسوبه الی امام الرضا)، قم: مدرسه امام مهدی(ع).
- فاضل قانع، حمید، (۱۳۹۳)، حوزه روابط اجتماعی بر مبنای سبک زندگی اسلامی، *فصل نامه سبک زندگی دینی*، ۱(۱)، ۷-۳۴.
- فرید، مرتضی، (۱۳۷۲)، *الحديث*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- فلاح رفیع، علی، (۱۳۹۱)، *روش شناسی الگو در انتقال ارزش ها*، *دوفصل نامه اسلام و پژوهش های تربیتی*، ۳(۲)، ۳۳-۵۷.
- قطبی، محمد، (۱۳۸۹)، *راهبردهای قرآنی تربیت دینی*، *دوفصل نامه اسلام و پژوهش های تربیتی*، ۲(۱)، ۷۱-۹۴.
- کاوندی، زینب و صفورایی پازیری، محمدمهدی، (۱۳۹۱)، *عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشستن (با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین)*، *فصل نامه ظهور (پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده)*، ۵(۱۲)، ۱۶۵-۱۹۰.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۲)، *دورنمایی از نظریه سبک زندگی تجویزی اسلام*، *ویژه نامه تبلیغ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم*، ۱۸)، ۳۲-۶۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیلانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۷)، *مصباح الشریعة*، تهران: پیام حق.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محمّدی اشتها ردی، محمد، (۱۳۸۳)، *حکایت های شنیدنی*، قم: علامه.
- محمّدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۱)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- محمّدی، محسن، (۱۳۹۳)، *تحلیلی اجتماعی و سیاسی بر آسیب شناسی تحقق سبک زندگی اهل بیت(ع)*، *فصل نامه سیاست متعالیه*، ۲(۶)، ۴۷-۶۸.

مشکاتی سبزواری، عباسعلی؛ صولتی، یاسر و بیاتی، احمدعلی. (۱۳۹۲). چیستی و جایگاه سبک زندگی در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. *ماهنامه معرفت*، ۲۲ (۲)، ۶۵-۸۳.

مشکینی، علی. (۱۳۷۶). *درس‌های اخلاق*، ترجمه علیرضا فیاض. قم: مترجم.

معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیر کبیر.

مقام معظم رهبری. (۱۳۶۸). *بیانات در جمع کثیری از اقسامر مردم قم به مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم*، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹.

----- (۱۳۹۱). *بیانات در جمع جوانان خراسان شمالی*، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

ملکی، حسن. (۱۳۸۵). *دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

موحیدی محصل طوسی، مرضیه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده‌قمصری، علیرضا و نقی‌زاده، حسن. (۱۳۹۲). *اصالت‌بخشی به ارزشیابی فرایندمحور در تربیت دینی به جای اتکا بر نتیجه‌محوری براساس آموزه‌های اسلامی*. *فصل‌نامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۷ (۲۲)، ۱-۲۲.

موسوی‌لاری، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). *رسالت اخلاق در تکامل انسان*. قم: بوستان کتاب.

مهدوی‌کنی، محمدسعید. (۱۳۹۰). *دین و سبک زندگی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

میرزایی رافع، مهری؛ سلحشوری، احمد و مرادی‌مخلص، حسین. (۱۳۹۱). *لزوم تقویت حس زیبایی‌شناختی از منظر اسلام با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)*. چکیده مقالات همایش ملی امام‌خمینی (ره) و تعلیم و تربیت اسلامی، قم: دانشگاه قم.

میناگر، عبدالرضا. (۱۳۹۰). *اخلاق و تربیت اسلامی*. قم: ابتکار دانش.

نجفی، حسن. (۱۳۹۳). *تحلیل محتوای مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در کتاب‌های درسی عمومی دانشگاهی به منظور ارائه پیشنهادها کاربردی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران.

نجفی، حسن؛ طالعی‌فرد، احمد و ملکی، حسن. (۱۳۹۶). *دلالت‌های تربیتی نهج البلاغه بر اسلامی‌سازی عناصر برنامه درسی*. *ماهنامه معرفت*، ۲۶ (۵)، ۴۳-۵۸.

نوری‌طبرسی، حسین. (۱۳۶۶). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل‌البیت لاحیاء التراث.